

محترم بازوهای مبارک را گرفته تا با یوان تالا برده رجای جلوس مبارک کردند و چهار نفر خدام و ملازمان ایرانی را در طرف روی نمیکتهای نخل نشاندند و صبح حضار در مقابل کرسی مبارک مانند حرباچران مهر روی تابان بودند در آن میان قونسل شوارزبرخاست و تبریکنامهائی را که آن قبل عموم اجاب بود با نهایت تعظیم و خضوع در مقابل کرسی مبارک شروع بخواندن نموده پس از تبریک و تعظیم و شرح تمجید تعالیم مبارکه چون مضامین نطق خود را با تمام رسانید آنگاه بیکل اکرم قیام فرمودند و با سطوت تمام خطابهائی غزاد و لفظی در باب و خصوص منجمله بودن مجمع اهل بجا و بلا یای منظر اهرام الله بجهت محبت و یگانگی ائمه دنیا و شرح تعالیم مسلمانی از لسان اطهر جاری دیگر انقلاب و انجذاب حضار به تحریر و بیان نیاید که چگونه منقون جمال و جلال طلعت بشیال بودند و شیفته بیان و تعالیم مبارکه و شئون باهره

روز ۲۹ ربیع الثانی (۱۷۰۰ اپریل) بیکل اقدس عازم بود است

بودند زیرا مستر استارک از انجام کار از محضر اطهر استدعای سفر مبارک کرده بود با آنکه بجا نبوده جمعی را مستعد تشرف بقای آنور نموده محافل و مجامعی را مخصوص خطابه و نطق مبارک تدارک دیده بود ولی آن روز در مسافرت مبارک تاخیر واقع شد بجهت منیکه قونسل و سس شوارز خیلی اصرار در رجای شریف فرمائی بارگن تا یکم از سیلابهای خوب آلمان است و هتل و حمام گرم معدنی انجام متعلق بخود قونسل بودند لذا ساعت ده قبل از ظهر قونسل مذکور با عیال و اطفالش در منزل حاضر نموده با خستادم حضور در رکاب مبارک حرکت کردند چهار منزل راه را مرکب مبارک چهار ساعت طی نموده و در راه قرا و معموره رودخانه و دره های با صفا و کوه دشتهای بنزد و فرم بنزد و گلپای طبعی و باغ و جنگلهای مصنوعی از نظر انور همی گذشت تا وقت ظهر جایی که توقف فرمودند

در هتل سوابیا بین راه بود که پس از صرف ناهار و اندک رختی از آنجا حرکت فرمود و ساعتی
 بعد از ظهر مبارکین تا نیم نزل اطلال فرمودند انقدر صفای آن دشت و صحرا و نمته بلبلها در حضور مبارک
 خوش آمد کمی فرمودند و از وقتی که از ایران بیرون آمده بودیم تا حال ما این کثرت با این حالت
 و صفای نمته های بلبلان باغ و صحرا ندیده بودیم؛ حضرات عرض نمودند محض رفع خشکی سبیل اظهر از
 زحمات سفر چند روزی اقلاتنها بدون آمدن و تشریف نفوس در اینجا اقامت فرمایند چه
 مقصد و آرزوی ما از تشریف آوردن مبارک و تبرک فرمودن این محل همین بوده که چندی اینجا
 وجود اقدس راحت باشند فرمودند مقصد ما گردش در راحت سیر و تفریح نیست بلکه خدمت ایشان
 الهی و شرفیحات الهی است راحت دستر ما در عبودیت ایشان حضرت بخت است علی الخصوص عده
 مسافرت بید است (هنگاری) داده ایم و از آنجا اوقات مجالس و معین نموده اند و نفوس
 بسیاری مشتاق و منتظرند لهذا باید زود حرکت نماییم؛ آن بود که پیش از کیش اقامت فرمودند
 و در آنجا حتی هنگام مشی و خرام در آن باغ و صحرا با حضرات گفتگو از امر الهی نمودند و گاهی در مصالح
 امور متعلقه با آنجا جواب و دستور العمل میفرمودند و آن قدر فکر مبارک و خصوص سفر مشغول بود که حتی
 بخام گرم معدنی تشریف نبردند هر قدر استعدا نمودند و وجود مبارک را در تمام گردش و سیر
 جمیع نمره ما از نظر اظهر گذشت ولی فرمودند حالت و فراغت تمام ندارم و افکارم مشغول کار است
 و همچنین وقتی که از استنکارت پاریس تشریف می بردند مرکب مبارک از باد نبادی گذشت آنچه
 طنزین رکاب عرض کردند که آب و هوا و حمامهای معدنی باد نباد مشهور بلاد است خوب است اقل
 روزی در اینجا اقامت نمایند فرمودند ما ابل تفریح نیستیم ابل کار و خدمتیم

روز پنجشنبه

روز پنجشنبه

(۸ اپریل) صبح از انجا کیر باستنکارت مراجعت فرمودند تا بار را منزل قونول شوارز تناول فرمودند و اجتبابی در پی لبه فخر طلعت مجبور شرف و چون دیدند موکب اقدس در شرف حرکت است از بزم حضور دور گشتند و تا عصر در آن بیت التور پر و لوله و شور بودند و نوید مراجعت مبارک باستنکارت در وجه و جهور با اینحال چون شریف فرمای بستگاه راه آهن شدند اجازت کوچک و بزرگ رجال و نساء در انجا حالتی ولدوز داشتند و شدت شوق آه و حسرتی جانسوز همه در اوطاق وسیع محطه حول وی چون شمع تابان جمع بودند و در هوای عشق طلعت پیمان در حرکت و پرواز بفریبی که خلق از دو و نزدیک بنظر تعجب میگیرند و از مشاهده انجذاب و انقلاب اجناس گشت حیرت میگزینند علی الخصوص هنگام شریف زمانی با طاق راه آهن که اجباب مقابل مرکب مبارک صف کشیدند با چشمهای گریان و دلبانیان و چون قطار حرکت نمود همه با کلاه و دستمال تعظیم می نمودند و تا می توانستند از دور مرکب مبارک می دیدند و بعضی تا چند محطه بیدرقه آمدند از جهتی دیگر دوستان سلنگن تلگرافا خبر شدند که بیکل اقدس در قطار پشت از انجا سرعیا عبور می فرمایند و در آن محله کشت نمی نمایند لکن اجماع در راه عبور قطار ایستاد چون از دو مرکب مبارک نمایان شد های دهبونی انداختند و فریاد الله ابھی بر آوردند و یک لحظه زیارت موکب اقدس سبب تسلی خاطر ساختند باری شب وجود مبارک در ترن استراحت فرمودند در آن سفر از اجبای آلمان مشرب گل نیز از ترنین رکاب بودند

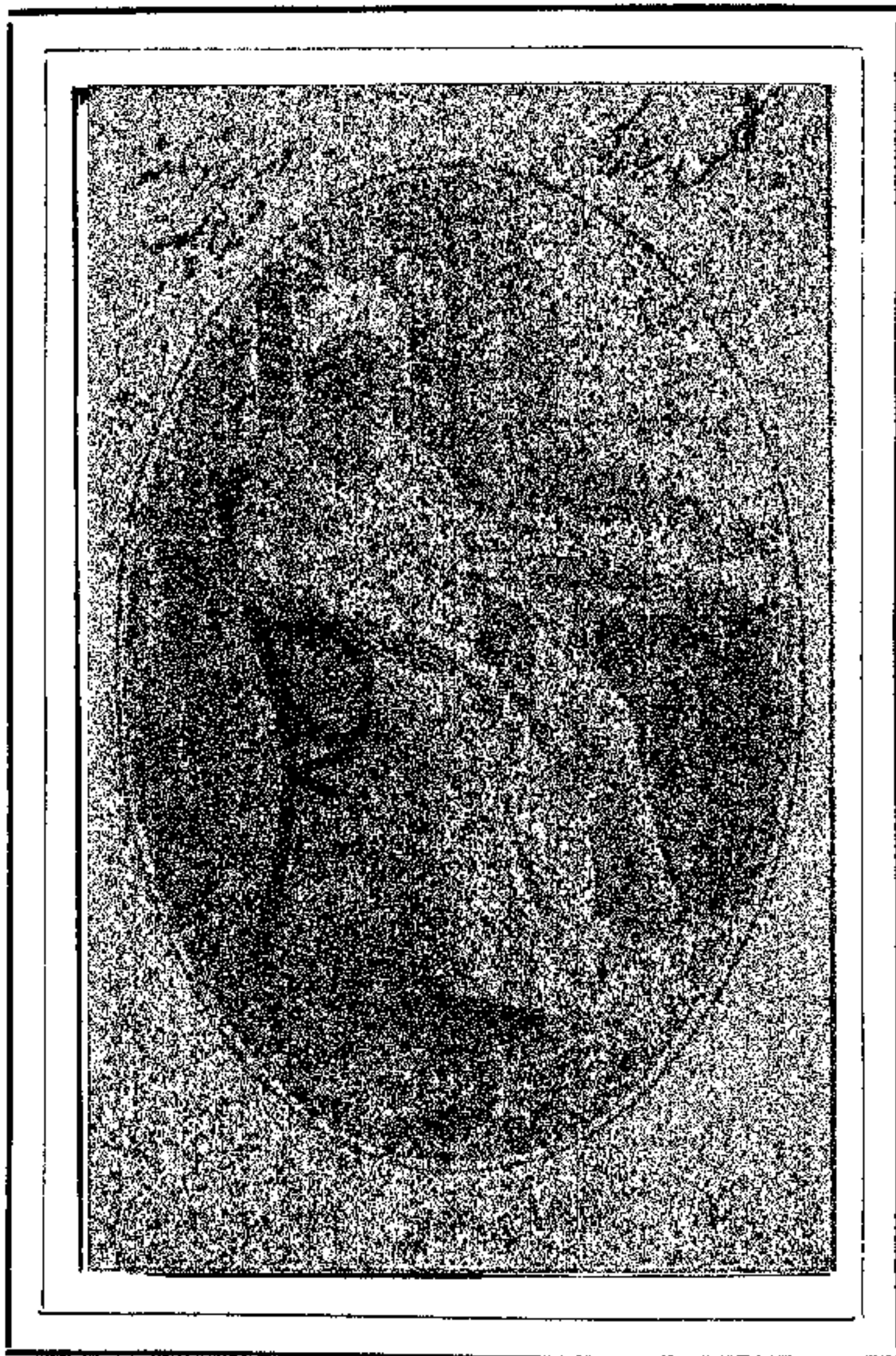
روز اول جمادی الاولی ۱۳۳۱ (۹) اپریل صبح ساعت هشت سوا شنبه

از دور نمایان شد چون مرکب مبارک با ایننگاه رسید چند نفر از دوستان ایرانی استقبال

قدم مبارک آمده شرف حاصل نمودند برع ساعتی طول کشید تا با بستگاد دیگر که قطار راه
 به مملکت بنگاری حرکت می کرد تشریف برده سمت بد ایت عازم شدند و آن مدینه
 بقدم مبارک شرف و افتخار ابدی یافت متر استارک حرمش با جمعی از رؤسای مجامع بانکه
 آنوقت بهائی بودند بجهت استقبال قدم مبارک سهواً بمحفظه دیگر رفته بودند ولی چون رؤسای
 راهبوتل رئیس که ممتاز ترین محلات بود مسبوق بودند یکسر آن محل شتافتند و صحن شرف
 همه در محضرا طهر ایستاده کینفرشان از قبل عموم تبریک و درود و نیت و ثنای طلعت انور زبان
 گشوده عرض کردند من از قبل جمیع درود مبارک را تبریک و درود آقدس شما و تجید میگویم و اطفا
 تشکر و ممنونیت می کنم که زحمات و مشکلات سفر را محض راحت بشر در این درجه از سن مبارک (۹۹)
 تحمل فرموده اید اینگونه زحمت و فدائی برای ما با اعظم سر مش است تا بد اینم که چگونه باید زندگی نمایم
 و خدمت بنوع انسانی کنیم الی آخر پس از حاتم نطق ایشان لسان لطف و احسان باین عبارات
 مبارک ناطق د بوالله امید داریم کل نجات عالم انسانی موفق شویم زیرا امر و زعمتی اعظم از
 ترویج وحدت عالم انسانی و صلح عمومی است تا نفوس از تعصبات قدیمه و تقالید مضرة نجات یابند
 و از تعصب مذبی و ملی و جنسی و سیاسی و وطنی پاک و پاکیزه شوند تا این تعصبات باقیست
 آسایش و سعادت تمام در عالم انسانی جلوه نماید در وقتی که شرق در چنین ظلمات شدید واقع و
 از هر جهت ظلمت تعصب احاطه نموده بود حضرت بخت آتشا چون شمس از افق شرق طلوع فرمود اعلان
 وحدت عالم انسانی نمود و فرمود جمیع خلق نوع انسانند و بنندگان کجند و نه کل از یک و سلاله اند
 و جمیع انعام الهی و خسد او اند ثبانی حقیقی او انعام خود را دوست دارد و کل زرد او عزیزند مادام

اذبح مهربان است همه را دوست میدارد و رزق میدهد حفاظت می فرماید چرا ما با یکدیگر نامهربان
 باشیم نزع و جدال نمایم آفتاب الهی بر همه میابد باران رحمتش بر جمع مبارک و بنسید چه قدر
 بموم خلق مهربانست که جمیع را آفریده و فیوضش بر عموم کائنات یکسان نازل باری نوع
 بشر صغ و بنای یزدانند آیا انصاف است ما بنیان الهی را ویران کنیم و باین ویرانی افتخار نمایم
 که شجاعیم در یکت روز صد هزار نفر را تباہ کردیم در ساعتی مملکتی را ویران نمودیم مثل سبکه گرگ
 افتخار بدردین اغنام می نماید این چه جهالت است و این چه کفران نعمت خدا این استعدا
 و قوار اباد داده که خدمت بنوع انسان نمایم نه آنکه سبب ویرانی و پشیمانی ایشان شویم الحمد لله این
 عصر عصر نورانیت عصر علوم و فنون است عصر کثافت عقاید استیاست عصر عدل و انصاف
 است عصر ترقی عقول و نفوس است باید بر آنچه سزاوار این عصر عظیم است قیام نمود نهی بعضی
 از روزنامه نویسیها حاضر و از اساس امر مبارک مستفسر شدند شرحی از تعالیم هسته از نم مبارک و صفا
 که فوراً تحریر نموده از همان شب در حسرت مستعدوه بزبان آلمانی و هنگاری (مجموعی) در ویران
 و تعالیم بدیهه را با نهایت سائش و تمجید نوشتند و در چنان شهریکه جز در نفس کسی از این مریع
 مطلع نبود صیت کلمه الله و قدرت عهد الله روز اول گوش زد عموم شد و در نفوس بیجان شدید
 افتاد روز ۲ جمادی الاولی (۱۰) اپریل صبح زود بدست مبارک چاک
 پتیا نموده خدام آستان را ساغر فضل و عطای بخشیدند و از صفائی هوا و اعتدال آفتاب و خوبی
 منظر منزل مبارک تعریف می فرمودند که خیلی خوش نما و باروح است زیرا هوای نیکو و طاق
 مبارک در طبقه سوم کنار نهر عظیم و انوب واقع بود پلهای بزرگ و کشتیهای آن نهر با قلعه مبارک سلطنتی

و بعضی از آثار و قلاع ایام فتوحات مسلمین و عمارات و اشجار و باغات آن طرف نهر در بلندی جمع
 راز بر نظر داشت اما با وجود موسم بهار گاهی هوا بشتت سردی شد و برف میبارید خلاصه از صبح
 تا ظهر جمعیت بسیاری رؤسای مجامع و پرفسرای ترک و عرب و اروپائی مشرف و از نطق بیان
 مبارک و خصوص تعالیم مقدسه طهسته چنان پر جذب و شور گردیدند که شهادت بر عظمت و اهیت
 ام مبارک دادند از جمله دکتور انگاس گوسن رئیس دارالفنون بود و دکتور لکسند گریس وین از
 اعضای پارلمان و پروفیسر جرمانوس و متر اگل منشی اول سفارتخانه سردسار عزیز احمد و آخسر نظر
 بستند عای بعضی صاحبان جراند بیرون بوتل چند صفحه عکس مبارک را تنها و با جمعیت برداشتند و بعد
 فرمودند قدری راهی رویم حین مشی طلعت انور شخصی خبرور و مبارک را در روزنامه خوانده بود
 چون از دو پیکل اقدس را دید نزدیک دوید و رجای نمود که در حاشیه همان روزنامه هم مبارک
 بقلم خود رسم فرمایند تا این یادگار برای او افتخار ابدی باشد و چون از نهر عبور فرمودند
 سردار امر سنگله که از دوستان سابق از اهل پنجاب هند بود مشرف و طرف خطاب مورد عنایت
 و لبر صحاب شد و بیانات مبارکه با ایشان در خصوص تبا سفیها بود که با این همه آگاهی صلح جوئی
 که در این عصر مبین ظهور نشان کاملی را لازم می شمرد اکثر از این امر عظمت ظهور حضرت بختا که ظفر
 من الشمس است غافلند و توقع آن دارند که طفل هندوستانی که او را در اروپا تربیت می کنند مصد
 چنین امر عظیمی شود دیگر از این نکته غافل و بجزند که مرتبی عالم را محتاج تربیت دیگران نیستن مثل این است
 که بخواهند از روغن و قبیله شمس جهان تاب بسازند و حال آنکه نور او باید آسمانی باشد نه ارضی
 کمالش قدرتی باشد نه آنتسابی آثارش موهبتی باشد و غیر محدود نه از علوم محدود و عالم حدوث



Abdul Baha's Photo in a
Budapest Newspaper

و حدود (بعد معینی از آثار فتوحات ترکها از دو نظر انور رسید فرمودند) ایرانیان و ترکان
 اگر با هم مخالفت ننمودند تا حال جمیع این ممالک در تحت اقتدار آنها بود اما چنان بغفلت افتادند
 که هر وقت ترکان سرگرم فتوحات در حدود اروپا بودند ایرانیان آنها را مشغول میزد برایشان
 هجوم می کردند و هرگاه ایرانیان چنین اشتغالی پیدا می نمودند ترکها بر آنان میافتند یکدیگر را
 آرام نگذارند و هر روز بعیش و عشرت و خیال منفعت شخصی و غرض ذاتی پرداختند تا آن عزت را
 ببا دو دادند و انگونه ممالک معموره را مطهور نمودند وقتی که سلطان سلیم بر بعضی از ممالک اروپا سیلا
 یافت و فتنه خیز شد که شاه طهماسب بر بلاد او حمله آورده لذا مجبور به رجعت گردید اگر در آن وقت
 با یکدیگر آن قسم مخالفت نمی نمودند حال چنین ذلیل و خیز نمی گشتند آه ای جوانی دیگر در راه رسید
 از بیانات مبارک چنان منجذب شد که بی اختیار همراه گردید و هر روز در محضر انور حاضر و از صفای
 نداء اعلی منجذب تری گشت همان روز در بین راه سردار امر سنگه ذکر برد و سر و امبری را بعض
 مبارک رسانید که از فلاسفه مشهور است و مائل آگاهی گماهی ازین امر عظیم مشتاق تشریف حضور ولی
 افسوس که بیمار است و در ایند و روزه بیرون رفتن از منزل بجهت او صعب و مشکل فرمودند ما بدید
 او خواهیم رفت و آن شب سبیل اکرم و مجمع تیا سفیها موعود بودند شب مبارکی بود و اعضای آن نجمن
 مانند نجمن تیا سفیهای اردین بزرگ (اسکالند) با نهایت ذوق و شوق و خلوص قائم بر خدمت اول
 رئیس مجلس در معرفی طلعت پیمان چنین بیان نمود که «حضرت عبد الجبار عباس از طرف خواران برادران
 این نجمن خوش آمد میگویم بی نهایت قلوب ما سرور است که این وجود مبارک در میان ما تشریف
 دارند همه قدر این عنایت را می دانند زیرا بعضی از مسائل این امر را بخوبی نمیدانند همچنین میدانند

و عکس عمل غیب معتقد باین شده اند که همیشه گنجهای عظیم در مشرق بوده و از آنجا بابل غیب رسیده
 و میرسد لهذا امید دارند که امانی غیب که غرق بطینتیا و تھا در امور جسمانی کوشش دارند و بکلی از لذت
 روحانی محروم و از روحانیت دور باز این فصل عظیم را بدست آرند و این جمع بغایت مسرور و ممنونند
 که بزرگترین معجزه روحانی شرق مشب در میان ایشان است و از نعماء و فیوضات الهی جمیع را بهره
 و نصیب عنایت می فرمایند: بعد وجود مبارک قیام نموده خطاب به بی مفصل در خصوص او افرمودند
 که همیشه مدیت مادیه و مذمت اهلستیه هر دو از شرق ظاهر شده و بعد جمیع ترقیات غیب تمدن
 قدیم شرق بوده علی الخصوص مدیت روحانی و انوار ملکوتی که همیشه از مشرق بمنزب تا بیده چنان این
 خطاب مبارک موثر در قلوب و سبب سبب سبب انفس گردید که باز رئیس مذکور با حالت جذب و شور و خاست
 و توجه بوجه غیر نموده عرض کرد: ای آقای عزیز! از بیانات نصیح و عبارات سلج مبارک انبساط
 نفوس و اشراج صدور و حالت سرور بدیده نیست که لسان از شکر آن عاجز است زیرا چون قلب
 در نهایت سرور و نشاط باشد زبان قادر بر نظم گردد و لهذا با کمال شکر و سرت مجلس ا ختم نمایم
 فی الحقیقه محفل پرشوری بود و جمیع دلها غریق بجز بهمت و جهور -

روز ۳

جمادی الاولی (۱۱) اپریل صبح اول کسانیکه شرف تقای انور مشرف گشتند جمعی از تیا سفیها بودند که
 خیلی نظار محبت و خلوص می کردند با نهای فرمودند: الحمد لله که اسباب طاقات فراهم آمد و شب خوب
 مجلسی بود احساسات روحانی قلوب با احاطه نموده بود استبد و ارم این احساس در تباط روز بروز
 زیاد شود تا بد است مرکز ظهور وحدت عالم انسانی گردد و این نوعاً از این شهر بسیار حجات تا بد
 پس شرحی از کمالات با بهره آیات عظمت و قدرت ظهور موعود فرمودند آنگاه جوان مجرستانی که

روز پیش در راه مشرف شده بود بایکی از دوستانش شرف حضور فائز با و فرمودند و خوبت
 ما بشما در کویچه آشنا شدیم بدون واسطه این نحو آشنائی خوبت احمده شد در بدایت
 احساسات روحانی موجود نفوس تحریر حقیقت می نمایند و از عالم الهی خبر خواهند و از ملکوت
 طلب گاهی می کنند من بدایت دستکارت ریخی دوست دارم مردمان خوبی در این
 دو شهر هستند چنانچه بین آلمان و نسه روابط ملکی است امید است روابط روحانی نیز حاصل
 شود زیرا اصل این روابط مغنویت چه که روابط سیاسی و ریگت روز بهم منجورد لکن روابط
 رحمانی و محبت و الفت روحانی دائمی است آهتی در آن بین جمعی از جوانان ترک اجازه خواسته
 چون بحضر انور رسید با نهایت ادب تعظیم نموده مقابل کرسی مبارک ایستادند یکی از آنها در
 تبریک و تحیتی در دست داشت که از قبل نخبین ترکان در تمبیت ورود مبارک با کمال قار خواند
 و طلت من طاف حوله الاسمارا درود و ثنا گفت پس ایشان را امر بکجوس نموده لسان با کلمات
 مبارکه ناطق گردید (هوا) «من اعظم آما لم ارتباط بین شرق و غرب است چه این عظیم است
 بعالم انسانی است فی تحقیقه شرق و غربی نیست جمیع نقاط روی زمین حکم و حسد وارد و نقطه
 نسبت بنقطه فی غرب و نسبت بنقطه دیگر شرق میشود پس انبیا اموری و اعتباریت جمیع نقاط
 یکره است و یک وطن و نوع انسان یک جنس و یک عالم لهذا بسیار مردم از مشاهد این سخن که ترقی
 شرقیان است این افغانان با غریبان و از برای شما موفقیت منجوریم که روز بروز توفیق و تمانید جدید
 جوید الی آخر بیانہ الاصلی تاظهر شرح حال بر این سوال بود که دسته دسته از بر نخبین نزد عظمتان یا
 ستر و علن خاضع و از کلمات مبارکه و کمالات باقیه بهره مند و شاکر بودند و علاوه در کیش اوقات

روزنامه نویسیها در ساحت انور علی مشرف و باستماع بیانات اعلیٰ مفتخر می شدند آن روز از جمله عباراتی
 را که یکی از صاحبان جوامد قبل از تشرف بمحضراطهر لبسان هنگامی نوشته بود این بود که دو حضرت
 عبدالباقا با تمام عظمت و جلال وارد و در اتحاد ادیان ناطق است اما چند ملیون کرون پول همراه
 دارد و هر کسی قدرت و جاه طلعت آناه را بنظری می دید و تأثیر و نفوذ بیان مبارکش بر حلقه محبتی
 می کرد و بر بزرگواریش در عالم خود لبسانی شهادت می داد و از دیدن آن مقاله فانی را منقریبا
 بعضی از بهانه جویمان بنظر آمد که شخصی ذکر قبول هدایا غریبه را در باره بیگل اهر نوشته بود با وجودیکه
 در هر مدینه و مملکتی یار و غیار بر کمال استغنا شهادت دادند و از مشاهده انفاق نای مولی الوری
 در مجامع فقرا و رد هدایا و اجبا همیشه حیران بودند چندانکه دکتور ابوزریش کشیش محترم کلیسای نیوجرسی
 مکز و مونک در معرفی بیگل اهرس باهل آن کنیه گفت که این مسلم چیل از بدایت ورودشان بهوتل
 انسونیا قبول خدمت از احدی نفرموده اند و بمنزل نفسی محل گرفته اند و جمیع مصارف را خود متحمل
 شده اند و علاوه در محافل فقرا و کنایس امریکا همیشه اعانه کلی داده اند و باری آن شب مجلس
 بسیا مجتل باشکوهی در تالار پارلمان سابق آن شهر مخصوص خطابه مبارکه منعقد که از چند میثقیان
 آن مجلس نموده بودند و آن تالار عظیم مملو از عیان و رؤسا پر و فرمای انجام بود و موضوع خطابه
 وحدت عالم انسانی صلح عمومی و تربیت حقوق نساء و لسان عمومی و اتحاد شرق و غربی و معنویت
 و تعالیم الهیه و این نظر باستدعای رئیس مجلس بود که بدو در معرفی جمال انور برخاسته گفت
 ای مولای عزیز؟ شما از راه دور نشره یف آورده اید از برای ترویج تعالیم صلح و اخوت نوع
 بشر و جهان نفوس مختلفه را سبب الفت شده اید که حتی در این محفل اهل شرق و غرب مجتمع فرموده

زیرا این تعالی را که وجود مبارک انشائی و نهد از انکار عالیه و سبب حصول فوائد عظیمه عالم
 انسانیت لهذا ما کمال شکر و منونیت را داریم و بیانات مبارکه را در شرح مسائل اخوت
 و صلح و ارتباط شرق و غرب و امثال آنک بسیار مطالب و مسائلییم و جمیع مایل و مساعی که راه ترقی
 نوع انسانی را بیاوریم الی آخر و چون بپای قدم قائم جمعیت پهلای نمودند و مکرر درین خطابه مبارکه
 دست زدند و بعد از ختام باز رئیس مذکور از قبل عموم با آواز شکر و ثنا پرداخت اظهار منونیت
 نمود با آنکه عصر آن روز با زردید پر و فسر گلدر زرد و جمعی از نفوس محترمه دیگر تشریف بر زد و در هر محل
 انقدر صحبت فرموده بودند که وقتی در تالار پارلمان تشریف فرما شدند از شدت خشکی ابتدا
 حالت گفتگو نداشتند معذالک از خطابه مبارکه چنان مجانی در نفوس افتاد که بعد از مجلس دست
 بسته در اوطاق علی حده مشرف میشدند و اظهار اخلاص و عبودیت می کردند نسبت که کمر
 می فرمودند و تأیید ملکوت الهی و تأثیر کلام و بیان چیز دیگر است فقط حرف زدن نیست
 این تأییدات همه از عین و عنایت جمال مبارک است و از نصرت و حمایت آستان هدایت
 روز جمعه جمادی الاولی (۱۲) اپریل صبح شرمی از مضمرات اعمال این اتفاق
 می فرمودند و تفصیلی از سخوت و غفلت شرمه نفاق که اگر این نفوس در امر الله بودند سبب
 عظیم میشدند و اطوارشان بد گیران سرایت مینمود و چون رئیس انجمن نورانیان با جمعی مشرف
 شدند و بحامد و اوصاف لطاف مبارک پرداختند بایشان فرمودند و امیدوارم
 قوه فی بیا بید که بسبب آن در لغت و اشعار نفوس مؤثر شود و ترویج صلح و اخوت عمومی نماید
 زیرا از برای اجرای این مسائل و امور مهمه کفایت عظیمه فائده و صحت جامع و دیگر لازمست چه که

جهت جامعه و وسیله اتحاد نفوس بسیار است و لکن هیچیک مانند قوه کلمه الله و امر الهی نیست
مثلاً یک جهت جامعه قوت و حسیت است مثل قوم مجربس فرنج آلمان و انگلیز این قوت جهت حاکم
است که افراد را جمع نماید چنانچه انجمن شما تورانیان را الفت می دهد ولی این قوه سبب اتحاد مهم
عالم نشود بلکه مانع صلح و اتحاد عمومی است مادام مجربس است آلمان آلمان انگلیز انگلیز و هر یک سعی
در منفعت خویش همین قوت و تعصب حسیت مانع الفت و اتحاد عموم امور مختلفه است جهت جامعه دیگر
وطنیت است این نیز مانع اتحاد و اتفاق ملل و احزاب است زیرا الهی هر ملکتی وطن خود را مقدم
دارند فرانسه ما گویند جمیع اوطان باید در تحت وطن ما باشند همچنین نظر بجهت وطن هر یک میباشد
بجهت مملکت خود قرار دهند و سایرین را مغلوبه و سائرین را مغلوبه و سائرین را مغلوبه و سائرین را مغلوبه
آن نیز کافی نه زیرا منافع سیاسی مختلفه مانع اتحاد است پس یک قوه جامعه فی مینوایم که
جمع را در برداشته باشد و بر جمیع غالب آید تا از برای هیچ قوه و جهت حکمی نماند بلکه جمیع را متفق
نماید شبهه فی نیست که باید قوه الهیه باشد و جز قوه معنوی هیچ قوه بر این قوا و ماده غلبه
نمواند نمود الی آخر بیان الی اعلی عرض کردند چه محلی مرکز صلح خواهد شد فرمودند در هر جا زودتر علم
صلح بینه شود انجام مرکز میشود اگر امروز انگلیز اول این علم را بینه کنند او مرکز میشود اگر آلمان بانه
هر یک سبقت جوید او مرکز خواهد شد بعضی از صاحبان با خانهاشان مشرف شدند و خیلی
اطهار تعلقات بتعالیم الهیه نمیدادند خطاب بانها شری و تاریخ امر علی و ظهور اعزای که مزید
توجه و انجذابشان گردید از لسان اظهر عباری و با کمال خلوص و محبت صمیمی مرخص گشته عصر بعبادت
فیلسوف شهیر پرفسور امبری تئیس برودند شخص مذکور فارسی و عربی و ترکی را خوب میدانست

اصلاً از سلسله اسراییلیان بود ولی معتقد بدیانتی تا آن وقت نه بلکه حامی اروپائیان و مخالف
 شرقیان بالخصوص مسلمانان بود و حکایت از ساهاهای سفر و سیاحت خود و حشر با علما و رؤسای مسلمین
 در ممالک شرق بلباس سلام می نمود با این حال چون از لسان مطهر حکایات سفر مبارک
 و خطابات در کنائس نصاری دید بود و ابلاغ تعالیم بدیعه و تبیین اصول شریع ربّی و وحدت
 اساس دیان الهیه مفصل شنید حالت او حالت دیگر شد و این قوت و قیام مبارک تبیین
 ترویج این تعالیم را در آنگونه کنائس و معابد خارق العاده دانست و مسائل و احکام این ظهور را
 از آن بعد بارها در باریق فاروق عظیم بجهت امراض مزمنه اُمم عالم گفت و با نهایت خلوص
 و عمقا و ترویج تعالیم این امر عظیم قیام نمود باری آن شب باز در آن سخن تبا سفیها مفضل بسیار
 باروی منعقد پس از توجه نفوس بر کز فیض صمدانی از لسان طلعت غمده الهی نغمی مفضل در خصوص
 حیات جمال مبارک چنان با حالت تأثر صادر که دلهای نهایت رفت آمد و اهل آن سخن شوق
 و انجذابی دیگر پیدا نمودند چند آنکه غلب آنها گاه بگناه بمحضر اطهر شتافتند و اظهار توجه وقبال
 و استدعای توفیق در خدمت امر الهی نمودند -

روزه جمادی الاولی (۱۳) اپریل صبح زود جمعی از تبا سفیها رجال و سبای شرف حضور رسیدند
 و هر یک صفوئی از عکسها مبارک را همراه آورده استدعای آن نمودند که با ترفطهم
 مزین گردد تا در عالمه آنها یاد کار و مایه افتخار ابدی ماند بعد سه مودند در شب شرح حیات
 حضرت بجهت ایشان را برای شما گفتم آن را درست یکنماید حالا در راه و پایدایت طلوع این امر است
 بعد اشراق شدید خواهد شد اول امر حضرت مسیح را مردم قبول نمی کردند لکن بعد چون پرتو شد

بر ممالک قلوب انداخت انوقت فهمیدند سیصد سال طول کشید تا امر آنحضرت در اروپا
 منتشر گردید اما آنحضرت بوقت شصت سال در شرق و غرب دنیا انتشار یافت تا درین
 سفر هر جا رفتیم جمعی بجائی یافتیم صیت امر الله تا بجزیره هونولو لور رسید و نفوس را منجذب
 ساخته حال با اینجا رسید شعله‌ئی افر و ختم استه روزی آید که روشنی آن عظیم گردد و دست
 استه ایک حبه است لکن چون نشو و نما نماید اثمار جنبه آرد و فواکه طیبه دهد انتهی در میان پی در پی
 نفوس کثیره واردی شدند و از مسائل و فیوضات رحمانیه هر یک بهره نصیبی میگرفت و
 مفتون اسرار و شیفه آثار ملکوت عزت و اقتداری گشت از رؤسای انجمن اسپرانتو پیاپی با
 و تورانیان و نفوس انگیز و امریکائی و هندوستانی و آلمانی و نیگاری انقدر جمعیت شد که
 در منزل مبارک جا نمود و اغلب می ایستادند و تا نزدیک ظهر سامع و منجذب بیانات و ندای
 اعلی بودند بعد نظر با استدعا و التماس پر و فرسند رل که در نقاشی ما هر بود بمنزل ایشان برای
 کشیدن رسم مبارک تشریف بردند و پس از تشریف بردن پر و فرسود امبری برای تشریف بمنزل مبارک
 آمد و از جمله بیاناتی که باینجه از روزگرمی گفت این بود که من عمری را در سیر و سیاحت ممالک مختلفه
 گذراندم و تا حال چنین وجود اکر می جامع فضائل عالم انسانی و خیر خواه عموم ندیده ام فی حقیقه کمالاً
 این وجود مبارک و تعالیم این امر عظیم بحال عموم مفید است علی بخصوص امم شرق بالافضل مسلمین که ملک
 و ملتشان روز بروز ال است و اموراتیه شان مورث هرگونه مصیبت و ملامت اگر هیکل برای صیانت
 آنها باشد توجه و تمسک باین امر استالی آخر این گفتار او بسیار مؤثر بود و وجودش از تشریف
 بلعای انور و استماع تعالیم بدیهه طیبه بی نهایت منقلب بجز بانی اظهار خلاص و انقیاد میگردد

نشر امر الله بنو اتم و اعلیٰ منیود و انتظار ایشان بطول انجامید و حالت ضعف و کسالت داشتند
 لذا اگر اظهار عبودیت نسبت بمحض اطهر و آستان مبارک نموده برخاستند از عصر در هوای
 برف بیکل اقدس منزل جناب سردار امر سنگه تشریف فرما شده پس از صرف چای و شیرینی شرمی در
 مسافرت مبارک از طهران تا ورود و سخن عظم بیان فرموده حرکت نمودند جناب سردار و حش از و
 بسیار خدمت نمودند و خیلی در ساحت اقدس اظهار عبودیت کردند و از جمله نفوس بودند که اکثر اوقات
 استفاضه از فیوضات حضور نور مانند متوسس استارک جدا غنیمت می شمردند و قائم بر خدمت
 بودند با وجود موسم بهار از برف و بوران بود در چنان هوائی باز شب جمعی در منزل مبارک
 تا دیر وقت مشرف بودند و از شنیدن نطق مبارک در خطای حش نشان که نقطه جواله را دایره و سراسر
 را آب بینند و هم از شئون خارق العاده قوه ماوراء الطبیعه آن جمیع حاضر حفظ و افر بردند علی الخصوص
 از شرح این بیان مبارک که عدم احساس وجدان عالم مادون اگر دلیل بر وجود عالم مافوق باشد
 نزدیک حیوان جمیع مراتب عقول و کمالات نفوس مجبول و غیر محسوس است آیا بسبب عدم احساس
 حیوانی ممکن است عوالم عقول و کمالات انسانی را انکار و تکذیب نمود؟ پس چگونه انسان متبوع
 عوالم طبیعیه را محاط محسوسات خویش نماید و عجز و عدم احساس خود را میزبان و دلیل گوید آخر نطق
 مبارک فیهی بتعالیم ظهور عظم و اتحاد مل و امم مختلفه در نقل کلمه جامعه گردید و مزید توجیه و توضیح حائزین
 شد روز عجمادی الاولی (۱۴۱۱) اپریل حسب الامر ملزمن بر کاب مبارک
 نوشتجات را تمام و اسباب را حاضر نموده در شرف حرکت بودند که رئیس انجمن نورانیان بحضور
 مشرف و استمدعای اقامت مبارک نمود زیرا تهیه و تدارک مجلس عمومی ثانیاً دیده و در جریان

اعلان کرده بود نظر بر جای ایشان و جمعی از دوستان تازه فتح عزیمت فرمودند پس از
مختصی آن نفوس بیازدید قونسل عثمانی تشریف بردند در آنجا بیاناتی مفصل در خصوص
می فرمودند که امروز شرق به چو تبه مغربی یا غرب نتواند و با پنج قوه ثنی نه برابری بلکه محافظه
خود را نماید مگر بقوه الهستیه که همیشه سبب اتحاد امم و اتفاق ملل عالم بوده جز این در یاق این
جسم علیل اشتغالی حاصل نشود و بغیر این درمان این درد را پایانی از آنجا بمنزل پر و فرسوهی
تشریف بردند آن روز پیش از پیش آن فیلیوف نیک اندیش در محضر انور خاضع و در بهت تعالیم
این ظهور عظیم ناطق بود و بدرجه بی اغلاس و ارادتش مقبول که بجز مراجعت ایکن اقدس شرق سان
و سلم مبارک بیاد و ذکرش مشغول و بصد و در ارسال لوح منع و کرم بدیع او را افتخار ابدی
بخشیدند او نیز در وصول ان عنایات و بیان خلوص و عبودیت و آرزوی خدمت و نصرت بخط
خود و عریضه تقدیم کرد که در همان اوقاتی که رله اسکندریه مشرق فیوضات رب و دود بود
و موطنی اقدام جمال مشهود در جرائد اخذ و در ترجمه آن عریضه به عربی و انگلیزی مندرج و مطبوع
شد و اکنون در اکثر بلاد موجود از جمله در عدد و اول ارسال سوم مجله ایسان که در مصر ماه مارچ
۱۹۱۴ طبع و توزیع گشته و مقالات عدیده از مشاهیر رجال و فضائل و محامد جمال بمثال دران
مجله مرقوم ترجمه آن را چنین مینویسد (الهی بخت آرد ما کتب فامبری الی عبد البهجا) دو ارفع
به العرض البصر الی حضرت عبد البهجا، عباس افندی دستة الطاهرة المقدسه الی قطب العالم
الذائع الذکر فی الخافقین و المحبوب من الناس جمیعا ای صدیقی الکریم و یادی الناس الی سواد
تسبیل لوان حیاتی تروح لک فدی ! ان الرسالة الرقیعة ائی سنزلت لکاتبها الی خادک

ولبساط الذی جوته به قد وصلاحی سالمین فعاودنی ذکری تعافی بفضیلتک و تبرکی بحضرتک
 و اتی لاحقن الی تعافک و اشتاق الی رؤیتک و قد جبت کثیراً من ممالک الاسلام لبدانہ فما
 رأیت خلقاً سامیاً مثل خلقک ولا شخصیهً عالیهً مثل شخصیتک و اتی لاشہد ان لمیس من المملکات
 ان یقع المرء علی نظیرک و او تمل ان یتکون مبادک لکمالیہ و اعمالک قد توجت بالفوز و النصر
 و اثرت علی ایتہ حال فانی الخ من و رآہ مرامیک لکمالیہ و انفعالک الخیر الابدی و ایمم الیم لعالم
 الانسانیہ ان خادک اراد ان یتجنی بعلم و بخر من مصدرہما فدخل فی ادیان کثیرہ فصافی
 مظهرہ یهودیا و مسیحیا و زرو و مشیتاً علی انی رأیت ان المتسکین بحدہ الادیان ہم لہم الا النباغض
 و التنافر و التباہل و التلاعن ان ہذہ الادیان قد اصحت آلات للنظم و الطغیان فی ایدی
 الولاة و الحکام و اتھا اسباب تعمل علی خراب العالم الانسان و فناء و تقادیم من شہیر
 ہذہ النتائج کان حقاً علی کل انسان ان یتب اسمہ فی سجل انصارک و یرضی بہتجا بقصدک الی
 ہمیش قاعدۃ ینہض علیہا دین عام و کنت انت و وضع اساسہ بجمہ و اتک اعمالک و اقدرت
 عن بعد ابا فضیلتک ثم شہدت کرم نفسانہ شجاعہ و تفضیلتہ فرحت بکما معجبا و اتی قسم
 احتراماتی الاکبر و افلاصی الاشد الی مبادک و مرامیک و اذا مد اللہ تعالی فی عمری و تفضیلت
 بی اسن استطعت ان اخذک علی کل حال و اتی ادعواتہ و لتضرع الیہ من اعماق فؤادی
 ان یحقق منیتی خادک فامبری ۛ انقلاب انبک و نفوس ہمہ از اسغاء ندا و استماع بیان
 طلعت نور عب البختاری کی از آیات قدرت و عظمت عجب جمال ہی است چنانچہ بعضی از تجاریر و مقالہ
 آن نفوس نبلیلہ ہستم جلد اول بدائع الآثار عیناً نقل کردید بدرجہ فی تحریرات و محامدشان

در امریک و اروپ و در انظار اهل عالمی اهمیت پیدا نمود که سبب ظهور حد عا سیدین شد چندانکه بطائف اخیل بعضی از معتزین در صد و انخاد و انصراف ایشان بر آمدند و لکن الله انظر ما اراد بقدرته العالیة علی من فی السموات و الارضین خلاصه آن شب مجمع عظیمی در انجمن توران (دوران) در تالار میوه سابق که موزه ملی بود مخصوص خطابه مبارکه هیتا قدرت و قیام سبک اقدس در آن محفل پیش از سایر مجامع جلب انظار و جذب قلوب حصار نمود و شورش و شوقی چون شور محشر در سراسر افگند چون پس از بیانی از تاریخ توران ذکر ظهور عظیم ابھی و تعالیم قسم اعلی خطابه و نطق مبارک را با همتی رسانیدند همچنان و انقلاب عظیمی در نفوس مشهود گردید و تا صین حرکت مردم حضور مبارک اظهار ارادت و عبودیت می کردند دست می دادند در جای تأیید و طلب توفیق در خدمت بعالم انسانی و ترویج تعالیم الهی مینمودند تا از انجا بمنزل علی عباس آقای قالی فروش تبریزی که بسیار مفتون خوی مبارک گشته و جمعی را در حضور مبارک دعوت کرده بودند شریف بردند نفوس مختلفه دست و بندی شرقی و غربی از انجمله جناب قونسول عثمانی در محضر اطهر بصرف شام مغتخر و از حکایات و بیانات مبارکه بی نهایت شادمان و شاکر بودند .

روز ۷ جمادی الاولی (۱۵) اپریل از خشکی و سرمای روز پیش زکام و زلزله بوجود آمدن عارض لذا از روز بیرون شریف نبردند و در حرکت و مسافرت مبارک هم چند روزی تأخیر افتاد اول صبح مترو سس استارک نشرف حاصل نمودند خیلی مورد عنایت گردیدند بایشان می فرمودند و دشما سبب مسافرت من باین شهر شدید و آنسخت مات از قیام و همت شما بطهور رسید چون جای تأیید در نشر نفعات الله از حضور مبارک کردند بایشان فرمودند مطمئن باشید یقین است مؤید

خوابید شد در اینجا نفوس مبعوث خوابند گردید که سبب سرور ابدی شما باشد امر در اینجا
 ترقی خواهد کرد و خوابید دید که چگونه منصور منظر خواهد گشت اگر چنانچه باید و شاید قیام نماید
 جنود ملا اعلی را ناصر و مؤید خود یا بید " از نفوس منجذبین بحبت جمال مبین چند نفر دیگر متصرف شدند
 لذا شرحی در ترتیب محافل شهر نفحات الله در آمدینه از رسم مبارک جاری و باحالت خشکی و کلام
 تا ظهر در تشویق نفوس منجذب به بر نشر امر الله و اداء کلمه الله مشغول بعد از ظهر جمعی از بیاسفها
 و ترکها و بعضی از پر و فرس با شربت تعالی انور شربت و از سوال و جواب و نطق مبارک و مسائل
 فلسفه و تسمیح و امثال ذلک بسیار منقلب و منجذب و بانهایت خضوع و خلوص مرفوع گشتند و بعد
 یکی از وقایع نگاران جرائد حاضر و شرحی در مسئله اقتصاد از فم اظهر صادر با تفصیلی از تعالیم
 مبارکه جمیع را مثبت و ضبط نمود و بانهایت سجد و از عنایات طلعت مشهود شاکر و ثنا خوان بود و
 شب نادر وقت جناب سردار مرستیگ در بزم محفل نفحات شرف و از نطق مبارک و اثبات واجب بود
 و مسائل حسری به خط روحانی و سرور و جدانی نال گردید و بانهایت خضوع با طهارت توجه و قبایل
 موفق روز ۸ جمادی الاولی (ع ۱۱) اپریل صبح هوا معتدل و صاف تر بود
 و زکام و حال مبارک از یوم قبل بهتر و قتی که جای بل نمودند از در شیشه به نظر خوب که در جلو
 عمارت از تابش آفتاب مانند آئینه مستکلا و برانی بود نظر نموده می فرمودند که که مسیح سیلها
 و طوفانهای عالم را میتوان سد نمود مگر سیل امر الله را قوه امر الله بجمع قوای عالم غالب است چون
 جمعی از هند وستانی و امریکائی و مجری مشرف شدند بایشان فرمودند این عصر عصر نور است
 و این ممالک محتاج روحانیت و مدینت الهیه تا اساس سعادت عالم انسانی محکم و متین گردد و

مناقب و فضائل نوح بشر کامل شود الی آخر بیا نه الا علی بعد از مخصی حضرات بنزل تو نسول و چند نفر از پر و فرما و آخر بجا نه مشر و مس استارک شریف برودند تا دو ساعت از ظهر گذشته که با متر استارک به قول براجت فرمودند تا ما را با ایشان تا اول فرموده بشخ مسائل الهستیه و بسط مضامین و مطالب امریه مشغول بودند و سپس راحت فرمودند تا عصر که دسته دسته نفوس طالبین بابت فضل و عطا مشرف می شدند و قلوب متاقین از شنیدن بیان و سخن شیرین مشاهد جمال مبین شریف و شور میامد بدایتا بیاناتی بناسبت سوالات حاضرین در خصوص تناخ و مسائل تصوف فرمودند و نهایت حکایاتی از انجمن تیا سفیها بیان کردند که بعضی از تعالیشان باین امر نزدیک است ولی امر الله جامع جمیع مسائل الهستیه است و دارای لوازم و ما بهتاج اهم و حل مختلفه و علاوه این تعالیم الهستیه را یک قوه غیبی و تأیید لاری در پی است که این قوه و تأیید مخصوص دین الله و کلمه الله است متقلب قلوب است سبب تخمین اخلاق عموم است و علت اتحاد اقوام و احزاب هر مرز و بوم طوائف متنوعه را چنان متحد و متفق نماید که جان در ره بگذر دهند و با وجود رساند که ذلتشان بعزت ابدیه مبدل نماید و در جمیع عوالم الهستیه آثارشان بانی و دائم ماند حتی در عالم خاک در قرآن یک آیه نازل شد که «و یشهد علی الناس حج البیت» به بیداری خدیو نفوس در ظل این کلمه مبارکه از ممالک بعیده و فرق مختلفه برای حج جمع میشوند در عالم ترا باین یک نمونه و آیتی از تاثیر و نفوذ کلمه الهستیه در عوالم عقول و نفس و تزکیه قلوب و تصفیه صدور است که نظیر آن در هیچ انجمن و محیی دیده نشود و اینگونه تناخ و تأثیرات از سایر امور حاصل نگردد و آیتی چون اشخاص دیگر بمحض انور شرف جسته بیانات مبارکه در باره جهادات رؤسای دین تخریفی

در معانی آیات و نصوص کتب الهیه مفصل و مشروح بود -

زود ۹ جمادی الاولی ۱۱۷۱ اپریل صبح ترجمه بعضی از عوائض دوستان امریکائی از لحاظ مبارک می گذشت از جمله در عریضه یکی از آمار الله و شنگتن که اسم آسیه با دعاییت شد بود شرحی مذکور و معروض که در ایام تشریف و در ارض مقدسه و آستان روضه مبارکه آرزو دهند عای اولاد نموده بوده محض مراجعت از آستانه بقعه علیا ملت و ستیاب شد و حال در طفل شیرین و نازنین دارد و اسم آنها را حسب الاراده مبارکه روشن و گلشن گذارده و در جوف عریضه موئی ان اطفال عزیز خود را بحضور مبارک فرستاده بود که باین وسیله تذکر خود را در محضر اظمه مذکور سازد فرمودند چه مؤمنه مقدسه بی است همیشه بخدمت تبلیغ امر مشغول است شوهرش بانکه بجا بیست در خدمات امرالله با او همراه است و او را دوست دارد بانکه زنی دیگر گرفته بود و باینجهت اجتناب بر آنها اعتراض نمودند و باصرار از من میجو استند که ایشان اغنا نشود وی گفتند اعتنای بانان منافی عزام است و حالانکه در عیال منغیت ولی چون تعدیل مشکل است لهدا شخص منصف متدین رضی بدشتم و در عیال نشود مقصود نیست که برای این امور میتوان نفوس خادمه را ترک نمود حال آسیه محافل تبلیغ دارد مویهای اطفالش را فرستاده که اینها یادگار آستان مبارک است انهی از روز صبح و عصر نفوس کثیر میست صهبای بیان ساقی بزم پیمان بودند و از جمله نطقهای مبارکه در جواب یکی از حضار (در خصوص آزادی) این بود (هوشیار) آزادی سه قسم است یک آزادی ایهیت که آن مخصوص ذات باریت چه که اوست آزاد مطلق در هیچ شائی از شئون کسی را مجبور نمیتواند نمود باراده مطلقه او به عصری شریع مقدسه تجدید یافت و حکام

متفرعه باقتضای هر زمانی تبدیل شد و این مقام بطور مطلق امر و منظر علم و اراده او در عالم امکان
ظا بر میشود (چنانچه جمال قدم جل اسمه الاعظم می فرماید) انه لو حکم علی الناس حکم محشر لیس لأحد ان
يقول لم و بم ۱۱ یک آزادی سیاسی اروپائیه است که انسان هر چه میخواهد میکند بشرطیکه دیگری
ضرری نرساند این حریت طبیعی است و اعظم درجه ان در عالم حیوان است این شأن حیوان است
این طيور را می بینید که بچه آزادی زندگانی ینمایند انسان هر چه کند نمیتواند بقدر حیوان آزاد باشد
زیرا نظام مانع آزادی تام تمام است اما آزادی سوم در تحت سنن و احکام الهیه است این حریت
عالم انسانیت که چون در نقل کلمه الله تربیت شود قطع علاقه قلبی از جمیع اشیا میکند از جمیع مشتاقا
و احزان آسوده نه ثروت و قدرت ظاهره او را از اعتدال عدل مانع شود و نه فقر و فاقه از
سرور و سکون باز دارد هر قدر انسان وجدانش بیشتر ترقی می کند قلبش آزادتر میشود و در حشر
مستبشر تر در دین الله حریت افکار است زیرا هیچکس حاکم بر وجدان نیست غیر از خدا ولی بد صریحی
که خارج از آداب نباشد اما در دین الله حریت اعمال نیست از قانون الهی انسان نمی تواند تجاوز نماید
و لو ضرری بغیر نرساند چه که مقصود از قانون الهی تربیت وجود خود و غیر خود است زیرا عند الله
ضرر غیر و خود یکسانست هر دو مذموم است باید در قلوب خشیه الله باشد انسان باید آنچه را
عند الله مذموم است ترک نشود لذا ان حریت اعمالیکه در قانون اروپاست در ذیانت الهیه
نیست و اما حریت افکار باید از آداب تجاوز نکند و اعمال مقرون به خشیه الله و رضای الهی
باشد امید دارم شما با سبب روشنائی این ممالک گردید و وسیله تعدیل اخلاق نفوس بدنتی
روز - اجاوی الأولى (۱۸) اپریل صبح موکب اقدس در شرف حرکت بود خدام